



**The role of information technology on the public diplomacy
of the Middle East countries regarding the expansion of
social movements in 2012-2010
(focusing on the countries of Tunisia and Egypt)**

Reza Parizad¹

Sajjad Basi Sefat²

Abstract

The impact of information and communication technology on the public diplomacy of the Middle East countries regarding the expansion of social movements is in terms of the changes it creates in the international environment, and the basic question of this research is what role and application of information technology in the public diplomacy of the Middle East countries regarding the expansion of the movement Has it played socially in 2010-2012? The hypothesis based on this question is that the public diplomacy of the Middle East countries in the opinion of Islamic movements is a function of the evolution of information and communication technology. The theoretical foundations of the article are as follows: 1- Media theory that monitors the effects of the form and style of communication on the human social environment. 2- The theory of de Burt, which has followed the generalization of the theory of media to the field of international relations. 3- Thoughts that consider the miraculous development of information and communication technology as the cause of the emergence of new spaces in human life. Spaces that have been referred to with various interpretations in a range of technological to philosophical approaches with corresponding titles such as computer-oriented (cyber) space, information-oriented space, and thought-oriented space.

Keywords: information technology, public diplomacy, social movements, globalization, social networks

¹ Assistant professor and faculty member of Islamic Azad University, Qom branch, Iran. **R_parizad@yahoo.com**

² PhD student in political science majoring in public policy, Islamic Azad

University, Qom branch, Iran.

S_basisefat@yahoo.com



نقش فناوری اطلاعات بر دیپلماسی عمومی کشورهای خاورمیانه

در قبال گسترش جنبش‌های اجتماعی ۲۰۱۰-۲۰۱۲

(با تمرکز بر کشورهای تونس و مصر)

رضا پریرزاد^۱ - سجاد بسی صفت^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۶

چکیده

تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر دیپلماسی عمومی کشورهای خاورمیانه در قبال گسترش جنبش‌های اجتماعی به لحاظ تغییراتی است که در محیط بین‌المللی پدید می‌آورد و سؤال اساسی این پژوهش این است که فناوری اطلاعات چه نقش و کاربردی در دیپلماسی عمومی کشورهای خاورمیانه در قبال گسترش جنبش اجتماعی در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۲ ایفا نموده است؟ فرضیه‌ی مبتنی بر این سؤال نیز این است که دیپلماسی عمومی کشورهای خاورمیانه در قبال جنبش‌های اسلامی تابعی از فرایند تکامل فناوری اطلاعاتی و ارتباطی است. مبانی نظری مقاله نیز عبارت‌اند از: ۱- نظریه رسانه که ناظر بر تأثیرات شکل و اسلوب ارتباطات بر محیط‌زیست اجتماعی بشر است. ۲- نظریه دی برت که تعمیم نظریه رسانه بر حوزه روابط بین‌الملل را پی گرفته است. ۳- اندیشه‌هایی که توسعه معجزه‌آسای فناوری اطلاعات و ارتباطات را موجب ظهور فضاهای نوینی در زندگی بشر دانسته‌اند. فضاهایی که با تعبیرات گوناگون در طیفی از رویکردهای فناورانه تا فلسفی با عناوین متناظری چون، فضای رایانه محور (سایبری)، فضای اطلاعات محور و فضای اندیشه محور از آن یاد شده است.

واژگان کلیدی: فناوری اطلاعات، دیپلماسی عمومی، جنبش‌های اجتماعی، جهانی‌شدن، شبکه‌های اجتماعی

^۱ استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران، (نویسنده مسئول). R_parizad@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش سیاست‌گذاری عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران.

مقدمه

توسعه انفجارگونه فناوری‌ها، به‌ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌عنوان بارزترین نماد عصر جدید موجب ظهور فضا‌های نوینی در حیات بشری گردیده و تحولی بنیادین در زندگی انسان به وجود آمده است. جامعه‌ای نوین به محور اطلاعات و ارتباطات در جهان شکل می‌گیرد و سرنوشت ملت‌ها به نحوی روزافزون باهم گره می‌خورد. تعدادی روزافزونی از صاحب‌نظران روابط بین‌الملل عصر حاضر را آبهستن تحولات اساسی می‌دانند:

۱- (جان روکی) نظریه‌پرداز روابط بین‌الملل استدلال می‌کند که شاهد تغییری هستیم نه تنها در بازی سیاسی بلکه در میدان شکل‌گیری بازی.

۲- جیمز روزنا عصر حاضر را در بردارنده نقطه عطفی به‌سوی سیاست پسا روابط بین‌المللی می‌داند.

۳- مارک زاجر ارکان رو به نابودی معبد و ستفالی را دنبال می‌کند. در سایر حوزه‌ها نیز سخن از عصر تغییر و تحول است.

۴- الوین تافلر ظهور عصر اطلاعات را اعلام می‌دارد.

۵- دانیل بل از پسا صنعت‌گرایی و دیوید هاردی از پسا خورد‌گرایی سخن می‌گویند.

۶- ژان فرانسو الیور تارد نیز عنوان پسامدرن‌گرایی را مطرح می‌سازد.

نخ تسبیح همه این تحلیل‌ها، ضمن اینکه ناظر بر کانون‌های متفاوتی هستند، این است که زندگی بشر از توسعه و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، یعنی روند مشهور انقلاب اطلاعات شدیداً تأثیر پذیرفته و با دگرگونی‌هایی مواجه گردیده است. دیدگاه عمومی کارشناسان روابط بین‌المللی و مشاهدات عینی، حاکی از آن است که فناوری اطلاعات و ارتباطات، حوزه روابط بین‌الملل را همچون دیگر حوزه‌های حیات بشری، هم در اهداف وهم در ابزار تحت تأثیر قرار داده است. ورود این فناوری به حوزه مناسبات بین‌المللی

موجب تحولات و دگرگونی‌های وسیعی گردیده است ظهور خودجوش و روزافزون سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی، اعم از منطقه‌ای و بین‌المللی به‌عنوان بازیگران جدید به عرصه روابط بین‌الملل و مداخلات روزافزون آنان هم در مسائل داخلی کشورها و هم در مدیریت امور جهان، محیط بین‌المللی پرتنش ساخته است. نوع روش تحقیق حاضر از روش تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود. این روش بر رابطه تحولات اجتماعی و ابزارهای ارتباطی تأکید دارد. سؤال اساسی این پژوهش این است که فناوری اطلاعات چه نقش و کاربردی در دیپلماسی عمومی کشورهای خاورمیانه در قبال گسترش جنبش اجتماعی در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۲ ایفا نموده است؟ فرضیه‌ی مبتنی بر این سؤال نیز این است که دیپلماسی عمومی کشورهای خاورمیانه در قبال جنبش‌های اسلامی تابعی از فرایند تکامل فناوری اطلاعاتی و ارتباطی است.

دیپلماسی عمومی نوین و سایبر دیپلماسی

یکی از منافع دیپلماسی عمومی افزایش نفوذ سیاسی و ایدئولوژیک یک کشور از طریق توسعه صادرات فرهنگ سیاسی آن نیز هست. در این عرصه به قول برژینسکی کشوری که دارای پیام و سخن در عرصه بین‌المللی است دیگران را مخاطب خود می‌کند و سرانجام تفوق می‌یابد. برد و پیروزی بدون خونریزی از مزایای دیپلماسی عمومی است. گرچه دیپلماسی عمومی را مفهومی نوین می‌دانند اما در جای‌جای تاریخ شاهد بوده‌ایم که کشورهای قدرتمند با اشاعه و ترویج ایدئولوژی ارزش‌ها و هنجارهای خود درصدد صدور پیام و فرهنگ خود و کسب برتری بوده‌اند. نظام سلسله‌مراتبی دیپلماسی سنتی که متکی بر اهرم اطلاعات بود امروزه به‌واسطه پیدایش شبکه‌های ارتباطی دیپلماتیک جهانی متحول شده و انواع مختلفی دیپلماسی عمومی شبکه‌ای ظهور کرده است از دیپلماسی عمومی امریکا کانادا نروژ ژاپن چین و هند گرفته تا دیپلماسی عمومی طالبان. در این میان دیپلماسی عمومی نوین و دیپلماسی شبکه‌ای همزیست‌اند. بدین معنا که دیپلماسی عمومی

نوبت بدون وجود شبکه‌های ارتباطی قادر به تأثیرگذاری بالا نخواهد بود (بهان، ۱۳۷۷: ۸۸). به‌طور کلی حوزه‌های اصلی توجه و فعالیت دیپلماسی عمومی نوین را می‌توان در دیپلماسی رسانه‌ای، فرهنگی فناوری و افکار عمومی، پارلمانی انجمن‌های دوستی نخبگان و سازمان‌های مردم‌نهاد و مهاجران خلاصه کرد که البته حوزه‌های نامبرده همپوشانی دارند. گردشگری سینما روابط اجتماعی روابط اقتصادی تجاری ورزش و سایر ارتباطات مردمی نیز از دیگر ابزارهای دیپلماسی عمومی به شمار می‌روند (شیخ عطار، ۱۳۸۵: ۹۸). سایر دیپلماسی تعبیر جدیدی از دیپلماسی و کاملاً متناسب با دنیای جدید ارتباطات و فناوری اطلاعات است. دیپلماسی سایر به استفاده از فناوری اینترنت و جامعه اطلاعاتی در دیپلماسی عمومی برمی‌گردد و در آن دست‌اندرکاران دولت‌ها با استفاده از سایت‌ها و وبلاگ‌های شخصی و سایر فناوری‌های نوین ارتباطی مواضع و دیدگاه‌های موردنظر دولت‌ها را تشریح می‌کنند و در همه امور اقتصادی سیاسی اجتماعی و فرهنگی به مبادله اطلاعات می‌پردازند. (امیدبخش، ۱۳۸۴: ۷۳). یکی از واقعیت‌هایی که هزاره سوم با آن روبروست آن است که در ساختار جدیدی که تحت تأثیر ای سی تی بر جهان تحمیل گردیده دیگر صرفاً وزارت امور خارجه و دیپلمات‌هایش تنها بازیگران عرصه بین‌الملل نیستند. این موضوعی است که در مقالات اکثر صاحب‌نظران مورد اشاره و یا شرح و تفسیر قرار گرفته است که از جمله می‌توان به مقاله دیپلماسی دیجیتال به قلم ویلسون دیزارد اشاره کرد. او ضمن تشریح چگونگی تداخل وظایف امر بین‌الملل دستگاه‌های مختلف داخلی و حضور شمار زیادی از رایزن‌ها و نمایندگان سازمان‌های غیر از وزارت امور خارجه در صحنه بین‌الملل اعم از دولتی، غیردولتی و بخش خصوصی معتقد است که آنان تمامی تجربیات تخصصی، منابع اطلاعاتی و تأثیرگذاری‌های سیاسی خود را وارد فرایند سیاست خارجی را نیز شامل می‌شود. مقاله دیپلماسی دیجیتال به ذکر مثال‌های

متعددی از چگونگی درهم‌شکسته شدن ساختار کلاسیک سفارتخانه‌های بزرگ و تبدیل آن به میکرو کنسولگری‌های عصر اطلاعات پرداخته که قادر بوده است علاوه بر توانمندی در ارائه حضور مؤثر کشور پیش‌قدم یعنی امریکا در کشورهای میزبان، از نظر صرفه‌جویی مالی نیز یک انقلاب محسوب شود (همان).

به نظر هارولد نیکسون دیپلمات انگلیسی ماشین هرگز نخواهد توانست جایگزین مهارت‌های انسانی در دیپلماسی شده و چیزی به نام دیپلماسی از راه دور وجود نخواهد داشت ولی وی با این حال اذعان دارد که دیپلماسی از عصر مترنخ گذر کرده و وارد دوره میکرو چیپ به‌عنوان مدل تکنیکال از عصر اطلاعات شده است. در این دوران هرچند موضوعات قدیمی همچنان در جریان خواهند بود ولی این بار باید به آن‌ها از زاویه حقایق جدید و دیجیتالی نگریست. فشارهای ناشی از این ضرورت، پایدار بوده و تمامی بخش‌های سیاست خارجی را در بر خواهد گرفت دستاوردهای عظیم امریکا در بخش‌های مختلف سیاسی و اقتصادی که دیپلماسی دیجیتالی نقش عمده‌ای در تحقق این وضعیت داشته معتقد است که در شرایط جدید، دستگاه‌های مستقر در واشنگتن روش مذاکرات تهاجمی را با استفاده از روش دیپلماسی دیجیتالی و تحت رهبری واحدی مستقر در کاخ سفید موسوم به نمایندگی تجاری ایالات متحده اتخاذ کرده است (کميجان، ۱۳۷۶: ۲۶).

شبکه‌های اجتماعی و دیپلماسی دیجیتال

دیپلماسی رسانه‌ای واژه تقریباً جدیدی در دنیای رسانه به حساب می‌آید و دولت ایالات متحده آمریکا در حال حاضر پرچم‌دار آن محسوب می‌شود که بودجه‌های بسیار کلانی را هم در همین راستا اختصاص داده است. بر اساس اخبار موجود دولت باراک اوباما برای سال مالی ۲۰۱۰ میلادی مبلغ ۷۴۵ میلیون دلار برای گسترش برنامه صدای آمریکا (VOA) و راه‌اندازی فیلترشکن برای ایران از کنگره این کشور درخواست کرده

است. استراتژیست‌های دیپلماسی دیجیتال آمریکا تأکید می‌کنند مسئله مهم دیگر این است که مسلمانان تأثیرگذار در توییتر، فیس‌بوک و سایر شبکه‌های اجتماعی را بشناسیم و با دیپلماسی مناسبی به آن‌ها دسترسی یافته و بگوییم که ما می‌خواهیم این پیام‌ها را به شما برسانیم، این‌ها پیام‌هایی هستند که ما فکر می‌کنیم با ارزش‌های شما سازگارند این همان صدایی است که شما می‌خواستید از آمریکا بشنوید (افضلی، ۱۳۷۹: ۸).

جارد کوهن و الک راس همکارانشان در وزارت امور خارجه آمریکا از سوی هیلاری کلینتون که او را مادرخوانده‌ی دیپلماسی دیجیتال می‌نامند، مأموریت یافتند تا برای توسعه دموکراسی و پیشبرد اهداف ایالات متحده در خاورمیانه و کشورهای اسلامی از فناوری‌های نوین ارتباطی استفاده کرده از این‌رو از بهار سال گذشته، راس و کوهن با سفر به کشورهایی نظیر عراق، روسیه، کنگو و هائیتی نمایندگی‌های تکنولوژی‌های مدنظر خود را در این کشورها دایر کردند. از آن زمان این سفرها که شهره شده‌اند بخشی از سیاست خارجی ایالات متحده دانسته می‌شوند. در این کشورها از مهندسين نرم‌افزار، کارآفرینان و ... خواسته شده است تا راه‌های غیر عرفی برای توسعه دموکراسی و پیشبرد امر توسعه در کشور پیدا کنند. راس و کوهن در همین ماه‌های گذشته در جلسه‌ای با فرح پندیت نماینده ویژه وزارت امور خارجه آمریکا در امور جوامع اسلامی دیدار کردند. وی به تازگی از سفر خود به پاکستان، هندوستان، قطر و هلند بازگشته و به همراه معاون خود با راس و کوهن دیدار کرده است. به این ترتیب آن‌ها طراح نقشه‌های وزارت خارجه آمریکا برای نفوذ در جوامع اسلامی از طریق شبکه‌های اجتماعی اینترنتی را که در قالب طرح دیپلماسی دیجیتال می‌باشند (واتزر، ۱۳۷۹: ۹۶). کارشناسان دیپلماسی عمومی آمریکا معتقدند: آمریکا سعی می‌کند به منظور مشارکت دادن بیشتر مردم جهان در گفتگوها و بازخوردها به کمک تکنولوژی‌های ارتباطی وب و رسانه‌های جدید ارتباطی

مانند سکند لایف، فیس بوک، یوتیوب و مای اسپیس اهداف خود را در عرصه دیپلماسی عمومی پیاده‌سازی کند و فرآیندهای دیپلماسی عمومی را در کشورهای هدف سامان می‌دهند. یکی از مشکلات دیپلماسی عمومی آمریکا بازاریابی است که به خاطر عدم وجود وضوح کافی در پیام است. کارشناسان دیپلماسی عمومی آمریکا معتقدند این مشکل می‌تواند با استفاده از تبلیغات حل شود که تکنولوژی‌های جدید می‌تواند این کار را تسهیل کند. (همان).

نقش فناوری اطلاعات در عصر جهانی‌شدن

جهانی‌شدن یک فرآیند تاریخی است که ثمره نوع آوری‌های بشر همراه با پیشرفت فناوری است. این پدیده نخست با رشد اقتصادی و جریان‌ات مبادلات مالی، دانش و کار آغاز شده و ابعاد دیگری چون فرهنگ، سیاست یا محیط‌زیست را دربر گرفته است. البته تاکنون تعریف عملیاتی و روشنی از «جهانی‌شدن» ارائه نشده است، زیرا این پدیده همچنان دستخوش تحول است. فناوری‌های نوین اطلاعاتی علاوه بر مرزهای مجازی، مرزهای فیزیکی را نیز از صحنه روزگار محو کرده و مرزبندی‌های امروزی را از بین خواهند برد که از این پدیده به‌عنوان جهانی‌شدن^۱ یاد می‌کنند. حال با استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و گسترش و جهانی‌شدن بازارها، دسترسی به بازارهای بزرگ دنیا، دیگر غیرممکن نیست، اما کشورها برای اینکه بتوانند از این پدیده بهره ببرند، باید از دنیای تکنولوژیکی حاضر بهترین بهره را برده و سیاست‌های درست و لازم را پیاده کنند. جهانی‌شدن یک پدیده جدید نیست. برخی تحلیلگران براین باورند که اقتصاد، ۱۰۰ سال پیش نیز جهانی شده بود؛ اما باوجود پیشرفت در همه زمینه‌های علمی، این پیشرفت‌ها در کشورها به‌طور یکسان نبوده و باگذشت سال‌ها، شکاف بین کشورهای ثروتمند و

^۱ Globalization

کشورهای فقیر عمیق‌تر شده است. مسئله جهانی شدن و مسئله یک کشور نیست بلکه مسئله احتیاج جهانی برای ارتباط کامل با خودش است. (دروید، ۱۳۸۸: ۳۵). باید گفت رسانه‌های اطلاعاتی مرزهای جهان امروز را به مرزهای شیشه‌ای تبدیل کرده‌اند و به عبارتی مرزها را حذف کرده‌اند تا دهکده جهانی محقق گردد. بدین ترتیب نقش این رسانه‌ها اگر به‌عنوان یک ابزار مورد توجه قرار گیرند، مشکلی به وجود نخواهد آمد، اما اگر این رسانه‌ها، خود پیام شدند قطعاً مشکلات جدی را گریبان گیر جوامع خواهند کرد. مک لوهان نظریه پرداز دهکده جهانی ارتباطات می‌گوید: رسانه یک ابزار نیست، خود پیام است. بنابراین یکی از مهم‌ترین عواملی که امروزه جهانی شدن را می‌سازد، رسانه‌ها می‌باشند که اینترنت پرچم جهانی شدن فرهنگ است. اگرچه فن آوری را اغلب نیروی محرکه‌ی فرآیند جهانی شدن می‌دانند ولی در اینجا باسیاست نیز سروکار داریم؛ زیرا واژه‌ی جهانی شدن فقط پس از سقوط کمونیسم رایج شد. (بیات، ۱۳۸۵: ۹۷).

فناوری‌های ارتباطی و درگیر سازی مدنی

در خصوص نفوذ و قدرت در فضای سایر برخی نظریه‌ها بر قدرت نرم و ایجاد برنامه‌ریزی ترغیب تأکید دارد. در سال ۱۹۶۰ پیتر باچراچ و مرتن باراتز یک وجه قدرت را مطرح کردند. تنظیم برنامه و دستور کار به‌طوری که در آن اصالت اجبار و تهدید وجود نداشته باشد. در سال ۱۹۷۰ استیون لوکس دریافت که ایده‌ها و عقاید به تمایلات افراد شکل می‌دهند؛ بنابراین می‌توان با تعیین خواست دیگران اعمال قدرت کرد. در سال ۱۹۹۰ جوزف نای طیفی از قدرت سخت و نرم را در حیطه قدرت رفتاری تمیز داد. قدرت رفتاری سخت بر اساس ارعاب و تهدید و عقوبت است درحالی که قدرت نرم بر اساس طراحی دستور کار، جذابیت و ترغیب است. پل ویریلیو نظریه پرداز فرانسوی معتقد است: قدرت‌های جهانی اقدام به جنگ اطلاعاتی از راه ماهواره‌ها و فضای مجازی بر ضد کشورهای دیگر و حتی شهروندان خود می‌کنند. چنین کنترلی همچنین به توانایی آلوده

کردن مبادله اطلاعات از راه ارائه اطلاعات غلط، ربط داده می‌شود (عسگری، ۱۳۹۵: ۷۰). فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی (اینترنت و تلویزیون‌های ماهواره‌ای) از یک سو، اطلاعات و آگاهی سیاسی و اجتماعی افراد را افزایش می‌دهند و از سوی دیگر افراد و گروه‌ها را در مسائل سیاسی و مدنی درگیر می‌سازند. خانم پپا نوریس، در ارتباط با اثرات این فناوری‌ها بر درگیر سازی مدنی، چند فرض عمده را مطرح می‌کند که عبارت است از:

۱) ممکن است به آگاه‌سازی، سازمان‌دهی، بسیج و درگیر سازی مدنی افراد و گروه‌های به حاشیه رانده شده، جوان‌ترها و اقلیت‌های سیاسی منجر گردد. به اعتقاد وی اینترنت با تأمین فرصت‌های سیاسی؛ از قبیل کسب اطلاعات راجع به احزاب و گروه‌های سیاسی مجازی، اتاق‌های گفتگو، ارتباط سیاسی دوسویه با مقامات حکومتی و فعالان سیاسی و غیره، می‌تواند در بسیج و درگیر سازی مدنی تأثیر گذار باشد.

۲) اینترنت به‌مثابه تریبونی برای احزاب و گروه‌های سیاسی معترض و اقلیت، می‌تواند به تضعیف حکومت‌های اقتدارگرا و گسترش دموکراسی کمک کند. گروه‌های سیاسی و فعالان سیاسی، از طریق این فناوری‌ها، فساد سیاسی و اقتصادی، تبعیض‌ها و سرکوب‌های سیاسی، ناکارآمدی‌های حکومت و موارد دیگر را آشکار می‌سازند و با برجسته‌سازی این ضعف‌ها، چالش‌های جدی برای این نوع حکومت‌ها ایجاد می‌کنند. سازمان‌های بین‌المللی غیر حکومتی نیز، می‌توانند از طریق این فناوری‌ها، اعتراضات گسترده را علیه حکومت‌های اقتدارگرا بسیج کنند. نوریس با اشاره به یکی از مطالعات انجام‌شده، بین مردم‌گرایی و پیام‌های سیاسی از طریق ایمیل - یا پست الکترونیکی - رابطه مثبت می‌بیند.

(دروید، ۱۳۸۸: ۸۹)

۳) اینترنت، می‌تواند در اشاعه ارزش‌های سیاسی دموکراتیک از قبیل مشارکت، آزادی بیان، تساهل، عدالت و غیره تأثیرگذار باشد. گسترش این ارزش‌ها می‌تواند بستر و محیط همدلانه برای جنبش‌های اجتماعی و شبکه‌های حمایتی بین‌المللی ایجاد کند و مشارکت سیاسی را در سطح جهان گسترش دهد. اینترنت می‌تواند یک تریبون عمومی بی‌طرف برای تبادل نظر دموکراتیک و مستقل از کنترل دولت باشد و به لحاظ تئوریک، این تریبون می‌تواند با شرایط گفتگوی مطلوب و ایده آل مورد نظر هابرماس در حوزه عمومی سازگار باشد. برای مثال می‌توان به سایت دموکراسی آنلاین شهروندان بریتانیا اشاره کرد. تحقیقات نشان می‌دهد که افراد ترجیح می‌دهند با افراد و گروه‌های هم‌عقیده با خود، تشکیل یک گروه بدهند، با این هدف که به همگنی بیشتر در عقاید و دیدگاه‌ها برسند. نتیجه یک پژوهش در اسلوانی حاکی از آن است که در بین ۱۲۶ نفر مورد مطالعه، ۸۴ درصد اظهار داشته‌اند که یک یا چند بار به وب‌سایت‌های نهادهای سیاسی مراجعه کرده‌اند و ۷۳ درصد در نظرخواهی و ۴۰ درصد آن‌ها در امضای تومارهای الکترونیکی مشارکت داشته‌اند. (همان)

مهم‌تر از همه اینترنت به‌عنوان شبکه جهانی از قابلیت‌های بسیار بالایی برخوردار است. گروه‌های سیاسی منتقد و فعالان سیاسی، می‌توانند وب‌سایت‌های سیاسی ایجاد کنند و تحلیل و انتقاد خویش را نسبت به اوضاع سیاسی، عملکرد مسئولان، عدم مقبولیت حکومت، شکنجه‌ها، فساد سیاسی و اقتصادی، سرکوب‌های سیاسی، بی‌توجهی به حقوق سیاسی و اجتماعی شهروندان، ناکارآمدی‌های نظام سیاسی و تحلیل ماهیت حکومت‌ها را به مخاطبان خود انتقال دهند و از این رهگذر، اطلاعات و دانش سیاسی آن‌ها را به‌طور کیفی و کمی ارتقا دهند. پوشش وسیع خبری، تصویری و تحلیلی اعتراضات سیاسی؛

نقش بسیار مؤثری در افزایش اطلاعات و آگاهی سیاسی مخاطبان دارد و نسبت به حقوق سیاسی و اجتماعی خویش باخبر می‌شوند (درایسدل، ۱۳۷۴: ۷۹).

نقش رسانه در جنبش‌های اجتماعی

در کنار هم جمع شدن ارتباطات، زیرساخت و تحولات آماری در طول تاریخ، بی‌نظیر بوده است. تحولات آماری‌ای که نشان‌دهنده گسترش موج مهاجرت بین‌المللی و افزایش جمعیت جوان را که نیمی از آن مربوط به کشورهای در حال توسعه است را به این شرایط، اضافه کنید. ماحصل کار منجر به تحول شرایط اقتصادی و سیاسی در سرتاسر جهان می‌شود. هم‌چنین می‌توانیم نقش آن را در جنبش‌های اعتراضی خاورمیانه شاهد باشیم. نقش رسانه اجتماعی در جنبش‌های اعتراضی بیکاری جوانان، قیمت بالای مواد غذایی و سایر عوامل، منجر به شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی شده است؛ اما تکنولوژی نقش مهمی را ایفا می‌کند. هرچند هنوز برای قضاوت کردن زود است اما نتایجی را می‌توانیم از حوادث اخیر استنتاج کنیم. رسانه با پیوند دادن گروه‌های هم‌فکر با یکدیگر، تحولات سیاسی را سرعت می‌بخشد. (حسینی، ۱۳۸۴: ۶۴). قدرت شبکه اطلاع‌رسانی غیرمتمرکز جهت تسهیل جریان آزاد اطلاعات و امکان بروز جنبش‌های اعتراضی مبرهن است. نه تنها تکنولوژی ارتباطات این اجازه را به مردم می‌دهد که به اشتراک دیدگاه‌های مختلف در میان خود پردازند و به اطلاعاتی که سابقاً در دسترس نبود دست یابند، بلکه تکنولوژی ارتباطات پنجره‌ای به زندگی در سایر نقاط جهان را به روی مردم می‌گشاید. سیاست دولت ایالات متحده برای گسترش دسترسی به تکنولوژی ارتباطات به‌عنوان ابزار قدرت انسان، شرط‌بندی بر سر تکنولوژی نیست بلکه شرط‌بندی بر سر ایجاد القانات در مردمی است که از تکنولوژی استفاده می‌کنند. (حسینی، ۱۳۸۴: ۶۴).

تنظیم دیپلماسی در بین مردم

رسانه ابزاری قدرتمند جهت ارتباط با مردم در شکلی محلی تر و ارگانیک می‌دهد. دیپلماسی عموماً در تعاملات رسمی میان دولت- ملت‌ها شکل می‌گیرد. در قرن بیستم حکومت‌ها سعی کردند دیپلماسی را با افکار عمومی خارجی و با انتشار پیام‌های خود در سایر کشورها تنظیم کنند. نوآوری قرن بیست و یکم در عرصه دیپلماسی با استفاده از تکنولوژی ارتباطات و رسانه‌های اجتماعی، امروزه همه ملت‌ها می‌توانند به تعامل با یکدیگر در مورد موضوعات مهم بپردازند. مردم می‌توانند راه‌حل‌های خود را برای مشکلات عمومی مطرح کنند، با دیدگاه‌های یکدیگر آشنا شوند و همدیگر را سرگرم کنند. نتایج این تعاملات به همدیگر پیوسته است. سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی^۱ که برای مبارزه با ایدز فعالیت می‌کنند از پیامک جهت ارسال دستورالعمل نحوه استفاده از داروها استفاده می‌کنند. برنامه بانکداری تلفن همراه که در کنیا توسعه یافت، برای گسترش به سایر نقاط جهان در حال بررسی است و نسلی از جوانان تحت تأثیر حوادث مصر و تونس به دنبال جوامعی آزادتر هستند. (حسینی، ۱۳۸۴: ۶۴)

اینترنت جنبش‌های اجتماعی

در تحولات منطقه طیفی از نظریه‌ها شکل گرفت که برخی بر اساس خوش‌بینی و برخی بر اساس بدبینی به فضای مجازی بود. آن‌ها که بر اساس خوش‌بینی به فضای مجازی بود، از انقلاب فیس‌بوکی و انقلاب توئیتری یاد می‌کردند. در برخی از جوامع که دسترسی بیشتری به اینترنت داشتند، آن‌قدر عامل مجازی را بزرگ جلوه می‌دادند که به آنچه در واقعیت رخ می‌داد، کم‌تر توجه می‌کردند. مثلاً شوخی تونس‌ها با مصری‌ها این بود که تونس‌ها می‌گفتند مگر مصری‌ها فیس‌بوک نداشتند که به میدان التحریر می‌رفتند. چون

^۱ NGO

در تونس دسترسی به اینترنت بهتر و ممکن بود و احتیاجی به میدان‌التحریر نداشتند اما در میدان‌التحریر چه رخ می‌داد؟ همان تأثیر و تأثر بین فضای مجازی و فضای واقعی را می‌توانستید در میدان‌التحریر ملاحظه کنید؛ یعنی چیزی که از فضای مجازی به فضای واقعی منتقل می‌شد و برعکس. نتیجه اینکه مگر چقدر می‌توان اینترنت را قطع کرد؟ کاربرد اینترنت که فقط توسط گروه‌های مخالف و معترض نیست؛ مگر در برابر آن سیستم بانکی و اداری کشور دچار مشکل نمی‌شود؟ به‌رحال کشور می‌خواهد کارهای روزمره خود را انجام دهد. پس نیاز به فضای مجازی یک‌سویه نیست، چون در نگاه صرفاً خوش‌بینانه، فضای مجازی فضایی است در اختیار جنبش‌های اجتماعی و علیه نظام رسمی و در نگاه واقع‌بینانه همه بخش‌های جامعه اعم از سیاست، فرهنگ و علم به آن نیازمند است. پس نمی‌توانند اینترنت را تعطیل کنند؛ مانند این می‌ماند که بگویید برای اینکه جلوی آتش‌سوزی را بگیرید، باید برق منطقه را خاموش کنید ولی برق منطقه را باید زمانی که آتش‌سوزی است، قطع کنید. آیا می‌شود منطقه دائماً بدون برق باشد؟ به نظر من پدیده‌های اطلاعات و جریان‌های پدیده‌ای فراگیر شده است و به این اعتبار باید از رسانه‌ای شدن همه امور سخن گفت. تحولات فزاینده و جهان‌دستخوش تغییر محدود به چارچوب‌های قدیمی نیست. (ازنجانی، ۱۳۷۴: ۳۶)

جنبش‌های خاورمیانه از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲

از دهه ۱۹۷۰ به بعد، همواره این موضوع مورد توجه گروه‌های سیاسی مختلف خاورمیانه قرار داشته است که چگونه می‌توان به توسعه سیاسی، رشد اقتصادی و ارتقای موقعیت استراتژیک دست یافت. یکی از رهیافت‌های مسلط در این ارتباط را می‌توان «نظریه دولت‌های اقتدارگرا» دانست. بر اساس چنین رهیافتی، نظام‌های سیاسی خاورمیانه عربی، گرفتار دولت‌های مستبدی بوده‌اند که رابطه خود با جامعه را از دست داده‌اند. هیچ‌گونه تمایلی به مشارکت جامعه با ساختار سیاسی نشان نداده‌اند. محور اصلی تداوم قدرت خود

را بر سرکوب قرار داده‌اند. در چنین شرایطی همواره جامعه در صدد کسب شرایطی است که بتواند موقعیت خود را در فضای سیاسی بازسازی کند. چنین فرآیندی در کشورهای همانند مصر، عربستان، امارات عربی متحده، اردن، تونس و مراکش بیش از سایر کشورها وجود داشته است. رهبران سیاسی و ساختار حکومتی این کشورها، تداوم قدرت خود را مرهون سرکوب و اقتدارگرایی قرار داده‌اند. «فرید زکریا» در تبیین چنین شرایطی، حکام عرب را عامل اصلی چنین مخاطراتی در فضای خاورمیانه می‌داند، وی معتقد است:

«حکام عرب خاورمیانه، اقتدارگرا، فاسد و سرکوبگر هستند. آنان تمایلی به برگزاری انتخابات ندارند. عدم انتخابات در این کشورها زمینه شکل‌گیری بحران‌های سیاسی را به وجود می‌آورد. احزاب سیاسی نیز نگاه تحقیرآمیزی نسبت به حکومت‌ها دارند؛ زیرا دو مجموعه یادشده هر دو در تعارض با یکدیگرند... در خاورمیانه آن‌هایی که مدافع دموکراسی هستند، بیش از همه به اوهام، انکار و خودفریبی پناه می‌برند. این منطقه لبریز است از نگاه بدبینانه نسبت به یکدیگر. به این ترتیب می‌توان میان دولت‌های اقتدارگرا از یک سو و جوامع غیر لیبرالی از سوی دیگر تفاوت قائل شد. هیچ‌یک زمینه باروری برای دموکراسی به وجود نمی‌آورد. یک جو سیاسی آکنده از تندروی و خشونت وجود دارد، این امر انگیزه‌ای برای دولت‌ها می‌شود که سرکوب بیشتری را اعمال کنند.» (توکلی، ۱۳۸۵: ۱۵۳)

هریک از شاخص‌های یادشده نشان می‌دهد که رهبران سیاسی، ساختار قدرت و فرآیندهای اعمال قدرت در خاورمیانه عربی و شمال آفریقا در زمره اصلی‌ترین موضوعات امنیتی محسوب می‌شوند. شاید رهبرانی همانند بن علی و مبارک اصلی‌ترین نشانه‌های چنین جامعه‌ای محسوب شوند. از سوی دیگر می‌توان این موضوع را مورد توجه

قرارداد که چنین وضعیتی همواره موردانتقاد کشورهای غربی قرار گرفته است. اگرچه نظام‌های سیاسی این کشورها از حکومت‌های اقتدارگرای خاورمیانه عربی حمایت به عمل می‌آورند، اما چنین فرآیندی همواره با واکنش گروه‌های تحلیلی و پژوهشگران روبه‌رو بوده است. زکریا، خاطره‌ای از دیدار دیپلمات‌های آمریکایی از خاورمیانه عربی و کشور مصر را مطرح می‌کند. او در این ارتباط بیان می‌دارد که شاخص‌های یادشده نشان می‌دهد که کشورهایی همانند مصر و تونس، طی سال‌های گذشته با بحران‌های اجتماعی روبه‌رو بوده‌اند، هر یک از واحدهای سیاسی یادشده، بخشی از مخاطره امنیتی خود را گروه‌های اجتماعی دانسته‌اند. گروه‌هایی که با اقتدارگرایی سیاسی مخالف بوده و از سوی دیگر با الگوهای سازش در فضای امنیت خاورمیانه با اسرائیل، رویکردهای متفاوتی را ارائه می‌دهند. در چنین شرایطی شکاف سیاسی، در کشورهای عربی گسترش یافت. بحران‌های امنیتی دسامبر ۲۰۱۰ و همچنین ژانویه ۲۰۱۱ را می‌توان نماد چنین فرآیندی دانست (نش، ۱۳۸۵: ۸۶).

نقش عوامل اجتماعی در بحران‌های امنیتی مصر و تونس

بحران‌های اجتماعی زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری تضادهای امنیتی در خاورمیانه را به وجود می‌آورد. در کشورهای مصر و تونس جلوه‌هایی از شکاف اجتماعی وجود داشته است. شکاف اجتماعی را می‌توان انعکاس تضادهای طولانی‌مدت حکومت - جامعه دانست. از سوی دیگری طی سال‌های دهه ۱۹۸۰ تاکنون، همواره جلوه‌هایی از تضاد امنیتی بین گروه‌های اجتماعی مختلف گسترش یافته است. این امر زیرساخت‌های لازم برای توسعه بحران و تضادهای امنیتی در منطقه را ایجاد کرده است. به‌طور کلی بحران‌های امنیتی در مقاطع زمانی خاصی شکل می‌گیرند. هر بحران امنیتی در زمانی به وجود می‌آید که جلوه‌هایی از بحران اجتماعی به نقطه اوج خود برسد. زمانی که ساختار دولت در کشورهای خاورمیانه از اقتدار بوروکراتیک برخوردار نباشد، طبیعی است که

زمینه برای شکل‌گیری فضای اجتماعی پراکنده فراهم می‌شود. اگر در برخی از کشورها همانند مصر و یا تونس جلوه‌هایی از همبستگی اجتماعی طی دو دهه گذشته وجود داشته است، باید آن را انعکاس جلوه‌هایی از حکومت اقتدارگرا و نظام‌های سیاسی سرکوبگر دانست. به‌عبارتی دیگر، سرکوب سیاسی در خاورمیانه می‌تواند برای مدتی جنبش‌های اجتماعی را با تأخیر روبه‌رو سازد؛ اما تداوم این امر برای دوران طولانی امکان‌پذیر نخواهد بود. (آلبرت، ۱۳۸۹: ۳۵)

کشورهای مصر و تونس به لحاظ ساختار اجتماعی، گسترش اندیشه سیاسی و نظام‌های سیاسی حکومتی با یکدیگر مشابهت زیادی داشته‌اند. نظام اجتماعی آنان از تحرک لازم برخوردار بوده است. از سوی دیگر، می‌توان جلوه‌هایی از رشد و تنوع اندیشه سیاسی را در چنین کشورهایی مورد ملاحظه قرارداد. در چنین شرایطی، به دلیل سرکوب سیاسی و سازمان‌دهی حکومت اقتدارگرا، امکان شکل‌گیری فرآیندهای دموکراتیک با محدودیت روبه‌رو بوده است. این امر به‌مثابه آن است که تداوم ساخت‌های حکومتی اقتدارگرا در خاورمیانه صرفاً بر اساس سرکوب سیاسی امکان‌پذیر خواهد بود. چنین روندی تحت تأثیر ابزارهای ارتباطی و همچنین موج‌های تغییر اجتماعی، با دگرگونی همراه خواهد شد. به‌عبارت‌دیگر، در کشورهای مصر و تونس، اقتدارگرایی ساختاری و سرکوب سیاسی بر دیگر کدهای معنادار اجتماعی اولویت پیدا کرده است. این فرآیند در دهه ۱۹۸۰ به دلیل رقابت ساختاری آمریکا - اتحاد شوروی، تداوم یافت. موج‌های بین‌المللی هیچ‌گونه محدودیتی برای تداوم قدرت نظام‌های سیاسی اقتدارگرا اعمال نمی‌کردند. از سوی دیگر، در این مقطع زمانی جمهوری خواهان در آمریکا محوریت اصلی قدرت سیاسی را در دست داشتند. آنان هیچ‌گونه تمایلی به بهره‌گیری از قدرت ملی خود برای تأثیرگذاری بر محیط‌های منطقه‌ای نشان نمی‌دادند. مهم‌ترین موضوع منطقه‌ای دهه ۱۹۸۰

را می‌توان جنگ ایران - عراق دانست. جنگی که در آن آمریکا، اتحاد شوروی، کشورهای محافظه‌کار عرب و بسیاری دیگر از کارگزاران سیاست بین‌الملل در حمایت تسلیحاتی و اقتصادی از عراق ایفای نقش کردند. اگرچه در نیمه اول دهه ۱۹۸۰ شاهد ناآرامی سیاسی در مصر و تونس بودیم، اما این روند در اواخر دهه ۱۹۸۰ با تغییراتی روبه‌رو گردید. (سلیمی، ۱۳۸۶: ۸۴)

ویژگی‌های مشترک جنبش‌های خاورمیانه

خیزش‌های مردم خاورمیانه، از سوی محافل و رسانه‌های مختلف، با عناوین متفاوتی مورد خطاب قرار گرفته‌اند؛ عده‌ای آن‌ها را انقلاب‌های رنگی یا مخملی و جمعی انقلاب‌های فیس‌بوکی یا توییتری و جمعی دیگر قیام دمکراسی خواهی و حق‌طلبی توصیف کرده‌اند؛ اما ماهیت این خیزش‌ها هر چه باشد و به هر اسم و عنوانی که لقب گیرند، به نظر می‌رسد همه آن‌ها در چند مشخصه مشترک هستند:

۱- در همه این کشورها، انقلابیون از طریق تکنولوژی‌های نوین یکدیگر را یافته‌اند و با یکدیگر در تماس‌اند. یکی از دلایل معرفی این خیزش‌ها به‌عنوان انقلاب‌های فیس‌بوکی وجود همین ارتباط بین مردم در فضای مجازی است. جایی که مردم هم‌فکر و هم‌نظر می‌توانند به‌سادگی یکدیگر را پیدا کنند و برای انجام فعالیت‌ها و برنامه‌های خود قرار و مدار بگذارند.

۲- اکثریت انقلابیون از قشر جوان جامعه هستند. جوانانی که با تکنولوژی‌های نوین آشنا هستند و درجایی که عدم آشنایی با کامپیوتر بی‌سوادی تلقی می‌شود، جزو اقشار باسواد قلمداد می‌گردند؛ اما علیرغم جوانی، به علت استفاده آن‌ها از امکاناتی که تکنولوژی‌های نوین در خدمت تصمیم‌گیران قرار داده، تصمیم‌گیری‌های ایشان، بسیار پخته و حاصل جمع خرد افراد آگاه آن جوامع است. تبادل آرا در فضای مجازی این امکان را به کاربران داده و می‌دهد که تصمیمات خود را هر چه عمیق‌تر و خردورزانه‌تر

اتخاذ نمایند. برخلاف حاکمیت‌های این کشورها که برای مقابله با خیزش مردم، در جلساتی بسیار فشرده، تصمیماتی را تحت فشارهای مختلف امنیتی - نظامی اتخاذ می‌کنند و معمولاً آرای مخالف را نیز خفه می‌کنند.

۳- همه این انقلابیون ضد خشونت‌اند. مردم این کشورها علیرغم تلاش هیئت‌های حاکمه برای ایجاد جامعه‌ای دوقطبی و رودررو قرار دادن مسلحانه انقلابیون با طرفداران خود، از دست یازیدن به هر نوع خشونت خودداری کرده‌اند و ترجیح داده‌اند که خواسته‌های خود را از طرق مسالمت‌آمیز و دور از خشونت دنبال کنند. برای مثال در یمن که مردم همگی مسلح‌اند و سرانه سلاح در نزد مردم سه اسلحه به ازای هر نفر است و از سویی دیگر حاکمیت نیز تلاش داشته تا با اعمال خشونت شدید مردم را به رودرروی مسلحانه بکشد، هنوز از سوی مردم هیچ تیری به نیروهای نظامی شلیک نشده و بالعکس تعداد زیادی از نیروهای نظامی به مردم پیوسته‌اند.

نتیجه‌گیری

فناوری‌های ارتباطی، موتور اصلی جهانی‌شدن است و بر همه ابعاد زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اثر می‌گذارد. با پیدایش و گسترش آن‌ها اطلاعات به گونه‌ی تصاعدی رو به گسترش است و انطباق با اطلاعات فزاینده، تاندازه‌ای دشوار شده است. درباره اثرات سیاسی فناوری‌های نوین ارتباطی-اطلاعاتی و تأثیر این فناوری‌ها با توجه به سؤال اصلی مقاله و فرضیه مبتنی بر سؤال می‌توان گفت که نقش فناوری اطلاعات بر دیپلماسی عمومی کشورهای خاورمیانه در قبال گسترش جنبش‌های اجتماعی با توجه به موارد ذیل قابل بیان است:

۱- با گسترش این فناوری‌ها افراد و گروه‌ها از طریق آن با یکدیگر در تعامل و ارتباط هستند. در کنفرانس‌ها و همایش‌های الکترونیکی شرکت می‌کنند و نظر می‌دهند و اعتراضات نسبت به حکومت مطبوع خود را به مراجع بین‌المللی، افراد و گروه‌ها می‌رسانند و حمایت جهانی را در جهت مطیع سازی حکومت و احقاق حقوق خود بسیج می‌سازند.

۲- انقلاب‌های اجتماعی خاورمیانه واکنشی نسبت به ساختار سیاسی اقتدارگرا محسوب می‌شوند. ساختاری که مشروعیت خود را از طریق پیوند با نهادهای فرادست در سیاست بین‌الملل به وجود آورد. این امر به گونه‌ای تدریجی با واکنش گروه‌های اجتماعی روبرو شد. اندیشه‌های اسلام‌گرا با رویکرد دموکراتیک توانست محوریت لازم برای تهییج گروه‌های انقلابی در کشورهای خاورمیانه را فراهم آورد.

۳- در سال‌های دهه ۱۹۸۰ به بعد کشورهای مصر و تونس به دلیل عبور از شرایط گذار سیاسی و سرکوب گروه‌های مخالف در شرایط آرام سیاسی قرار داشتند. سرکوب و کنترل مخالفین به عنوان دو ابزار اصلی ادامه قدرت مبارک و بن علی از اواخر دهه ۱۹۸۰ به بعد محسوب می‌شد. زمانی که کاهش و شکاف در اقتدار سیاسی با عدم مشروعیت

حکومت پیوند یافت زمینه برای شکل‌گیری اعتراضات سیاسی در تونس و مصر به وجود آمد و گره‌های اجتماعی در فضای مجازی به این اعتراضات دامن زد.

۵- در این میان ابزارهایی چون شبکه‌های اجتماعی نظیر «فیس‌بوک» و «توییتر» این فرایند را تسهیل و تسریع نموده‌اند. جهت‌دهی به افکار مردم در شبکه‌های اجتماعی موضوعی است که در دو مرحله صورت می‌پذیرد. در مرحله اول شبکه‌سازی در فضای مجازی و در مرحله بعدی شبکه‌سازی در فضای واقعی در باب اهمیت فناوری اطلاعات و شبکه‌های اجتماعی و سایت‌های ارتباط‌جمعی در فضای مجازی باید عنوان کرد که کشورهای عربی منطقه به‌طور کلی کشورهای خاورمیانه، با تغییرات فاحش در بافت اجتماعی خود مواجه‌اند. با افزایش پرشتاب قشر تحصیل‌کرده دانشگاهی، روزبه‌روز به میزان این طبقه نوظهور افزوده می‌شود. با استفاده از فناوری اطلاعات و امکانات نوین نظیر اینترنت و بهره‌گیری از قابلیت‌های آن نیازهای اطلاعاتی خود را برطرف می‌سازند و از این رهگذر ایجاد شبکه‌های مجازی در اینترنت فرصت بسیار مناسبی برای سازمان‌دهی و تأثیرگذاری بر این اقشار است.

۶- تحقیقات نشان می‌دهد که در کشورهای منطقه و خاورمیانه در بین ۱۳ سایت برتر، ۴ وب‌سایت مرتبط با شبکه‌های اجتماعی وجود دارد. بر همین اساس نمی‌توان از نقش سایت‌هایی نظیر فیس‌بوک، توییتر و یوتیوب در شکل‌دهی به اعتراضات جمعی و شبکه‌سازی در اجتماع به‌سادگی گذشت. فیس‌بوک نقش مهمی در جمع‌آوری کمک و حمایت مردمی در جریان انقلاب مردم مصر، لیبی، تونس و عربستان داشت.

۷- به هر اندازه که کشوری تعریف و تأمین منافع ملی خود را در چارچوب گفتمان حاکم بر فضای مکان‌ها و از طریق دیپلماسی سنتی تعقیب کند به جهان گذشته نزدیک می‌شود؛ جهانی که در آن الگوی حاکم بر روابط بازیگران به‌طور طبیعی شامل کشمکش سیاسی،

درگیری نظامی، برخوردهای امنیتی و جنگ است؛ و به هراندازه که تعریف و تأمین منافع ملی کشور در چهارچوب گفتمان حاکم بر فضای جریان‌ها و از طریق تقویت دیپلماسی عمومی نوین تعقیب شود که تابعی از فرایند تکامل فناوری اطلاعاتی و ارتباطی است، آن کشور به جهان آینده نزدیک خواهد شد؛ جهانی که در آن الگوی حاکم بر روابط بازیگران مبتنی بر همکاری و رقابت توأمان خواهد بود. گزینش یکی از این دو مسیر قطعاً لحظه‌تاریخی سرنوشت‌سازی برای هر کشور است که آینده چندین نسل را رقم خواهد زد.

منابع

- ازنجانی، اخوان (۱۳۷۴)، ساختار جامعه بین‌الملل و امنیت ملی، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۹۲-۹۱
- افضلی، رسول، (۱۳۷۹)، چشم‌انداز جامعه مدنی در خاورمیانه چند گفتار در جامعه‌شناسی سیاسی، موسسه فرهنگی، هنری بشیر علم و ادب
- امیدبخش، اسفندیار (۱۳۸۴)، چالش‌های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، پنجاه و هشتمین نشست تخصصی معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، مرکز تحقیقات استراتژیک، مجمع تشخیص مصلحت نظام، دی
- آلبرت، دیوید (۱۳۸۹)، گزیده‌ای از عصر اطلاعات: الزامات امنیت ملی در عصر اطلاعات، ترجمه علی‌علی آبادی و رضا نخجوانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- بهان، کیت، هولمز، دینا (۱۳۷۷)، آشنایی با تکنولوژی اطلاعات، ترجمه مجید آذرخش و جعفر مرداد تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- بیات، محمود (۱۳۸۵)، دیپلماسی دیجیتالی، مرکز چاپ و نشر وزارت امور خارجه
- توکلی، مهران (۱۳۸۵)، استعمار، استعمارگری، استعمارزدایی و جهان سوم، تهران: نی، چاپ اول
- حسینی، حسنی (۱۳۸۴)، نظم نوین جهانی در قرن ۲۱؛ دموکراسی‌های غیر لیبرال، لیبرال دموکراسی در خاورمیانه و شمال آفریقا، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره دوم، تابستان.
- درایسدل، آلاسدایر و جرالداچ بلیک (۱۳۷۴)، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، دره میرحیدر، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ چهارم
- دروید، پیترون (۱۳۸۸)، رسانه، جنگ، ترور، ترجمه علیرضا عبادتی، انتشارات روایت فتح

روزنا، جیمزودیگران (۱۳۹۰)، انقلاب اطلاعات امنیت و فناوری‌های جدید، ترجمه

علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

سلیمی، حسین (۱۳۸۴)، نظریه‌های گوناگون درباره جهانی شدن، انتشارات سمت

شیخ عطار، علیرضا (۱۳۸۵)، همراهی دیپلماسی و اقتصاد، همشهری دیپلماتیک، خرداد.

عسگری، زهرا (۱۳۹۵)، ظرفیت سنجی فضای مجازی تلفن همراه در حوزه ترویج

فرهنگ ایثار و شهادت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم ارتباطات گرایش حج

و زیارت، دانشگاه قرآن و حدیث، بهمن ۱۳۹۵

کمیجان، هرایدر (۱۳۷۶)، جنبش‌های اسلامی در جهان عرب، حمید احمدی، تهران:

کیهان

نش، کیت (۱۳۸۵)، محمدتقی دل‌فروز، تهران: انتشارات کویر، چاپ چهارم

واتزر، مالکوم (۱۳۷۹)، جهانی شدن، ترجمه اسماعیل میردانی گیویی و سیاوش

مرادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی